

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی  
دانشکده علوم سیاسی  
پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M. A)

## **رشته:**

مطالعات منطقه ای ( آمریکای شمالی )

## **موضوع:**

اتخاذ استراتژی متقابل آمریکا نسبت به افغانستان و پاکستان  
و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران پس از ۱۱ سپتامبر تا کنون

## **استاد راهنما:**

دکتر محمد توحید فام

## **استاد مشاور:**

دکتر محمد علی خسروی

## **پژوهشگر:**

فرهاد پایدار

## **سال تحصیلی:**

تابستان ۹۱

## تقدیر و تشکر

از جناب آقای دکتر محمد توحید فام، استاد محترم راهنما، جهت راهنمایی های ارزنده و موثر ایشان در تمام مراحل نگارش و تألیف این پژوهش کمال تشکر و سپاس را دارم.

از جناب آقای دکتر محمد علی خسروی، استاد محترم مشاور، جهت مشاوره شایسته، بسیار سپاسگزارم. و بدینوسیله، مراتب قدردانی و سپاس خود را از سرکار خانم دکتر ملک تاج خسروی، در مقام استاد داور به جهت داوری دایمانه و ارزشمند ایشان اعلام می دارم.

همچنین از جناب آقای دکتر حسین دهشیار، به خاطر ارائه نکات مفید در باب موضوع پژوهش و معرفی برخی منابع، قدردانی می نمایم.

و با سپاس از تمامی استادان و معلمین عزیز و گرامی، و تمامی کسانی که در طول دوران تحصیل هر یک به نوعی مرا یاری رساندند.

## تقدیم به

پدر دلسوز و مادر مهربانم که رسم ایران دوستی و وطن پرستی را از آنان آموختم و همه عزیزانی که مرا در طول تحصیل یاری کرده و همیشه مشوق من در زندگی بوده اند.

و تقدیم به روح بزرگوار میرزا تقی خان فراهانی مشهور به امیر کبیر، صدراعظم وطن پرست ایران و توسعه دهنده دستگاه وزارت خارجه و مؤسس سفارت خانه های دائمی در خارج از کشور، که همواره همچون ستاره ای درخشان و پر فروغ، رهگشا و رهنمای دولتمردان این مرز و بوم کهن است.

و تمامی ایرانیان وطن دوست که قلب و روحشان برای ایران، تمدن و فرهنگ با شکوه ایران، پیشرفت و سر بلندی آن می تپد.

## تمهیدنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب فرهاد پایدار دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد به شماره دانشجویی ۸۸۰۸۳۷۴۰۵۰۰ در رشته مطالعات منطقه ای که در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۱۷ از پایان نامه خود تحت عنوان: «اتخاذ استراتژی متقابل آمریکا نسبت به افغانستان و پاکستان و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران پس از ۱۱ سپتامبر» با کسب نمره ۱۹/۵ و درجه عالی دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

- ۱- این پایان نامه حاصل تحقیق رو پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.
- ۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- ۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- ۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: فرهاد پایدار

تاریخ و امضاء:



۹۱،۶،۱۷

بسمه تعالی

در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۱۷

دانشجوی کارشناسی ارشد، آقای فرهاد پایدار از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره به حروف نوزده  
ونیم و با درجه عالی مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما:



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	چکیده.....
۲.....	مقدمه.....
<b>فصل اول کلیات تحقیق</b>	
۵.....	۱ بیان مسأله.....
۷.....	۲ اهمیت، علل و انگیزه انتخاب موضوع و ضرورت‌های آن.....
۷.....	۳ اهداف تحقیق.....
۸.....	۴ ادبیات و پیشینه تحقیق.....
۹.....	۵ قلمرو تحقیق.....
۹.....	۶ سوال اصلی تحقیق.....
۱۰.....	۷ فرضیه تحقیق.....
۱۰.....	۸ تعاریف مفاهیم و متغیرهای پژوهش.....
۱۱.....	۹ ابعاد نوآوری پژوهش.....
۱۱.....	۱۰ روش تحقیق و روش گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات.....
۱۲.....	۱۱ موانع و مشکلات پژوهش.....
۱۲.....	۱۲ سازماندهی تحقیق.....
<b>فصل دوم چارچوب نظری</b>	
۱۵.....	مقدمه.....
۱۷.....	۱ رابطه امنیت و استراتژی.....
۱۸.....	۲ امنیت ملی، بین‌المللی و جهانی.....
۲۰.....	۳ عوامل تهدیدکننده امنیت ملی.....
۲۲.....	۴ عوامل مؤثر بر امنیت ملی.....
۲۳.....	۵ نظریه وابستگی متقابل.....
۲۳.....	۶ مفروضه‌های نظریه وابستگی متقابل.....
۲۳.....	۷ نظریه وابستگی متقابل از دیدگاه کوهن.....

۲۶.....	جمع بندی.....
<b>فصل سوم استراتژی آمریکا در منطقه خاورمیانه و تأثیر آن بر ایران قبل از ۱۱ سپتامبر</b>	
۲۸.....	مقدمه.....
۲۸.....	بخش اول: ۴ + خاورمیانه.....
۳۱.....	۴ ۴ اهمیت ژئوپلیتیک خاورمیانه.....
۳۱.....	۴ ۴ + ژئوپلیتیک تنگه هرمز.....
۳۲.....	۴ ۴ ۴ ژئوپلیتیک تنگه باب المندب.....
۳۳.....	۴ ۴ ۳- ژئوپلیتیک کانال سوئز.....
۳۳.....	۴ ۴ ۴ ژئوپلیتیک تنگه‌های دار داندل و بوسفر.....
۳۴.....	۴ ۴ جغرافیای سیاسی خاورمیانه و ویژگی های آن در نظام هژمونی.....
۳۸.....	۴ ۴ جغرافیای استراتژیک.....
۴۱.....	۴ ۴ + اهمیت استراتژیکی خاورمیانه برای آمریکا.....
۴۲.....	۴ ۴ + + استراتژی دفاعی دهه نود و نظام تک قطبی جهان.....
۴۳.....	۴ ۴ + اشغال عراق و توازن قدرت های جدید.....
۴۴.....	۴ ۴ ۲ ژئوپلیتیک خاورمیانه و ادراک استراتژی امریکا.....
۴۶.....	۴ ۴ + عراق نقطه تمرکز جغرافیایی یا قلب خشک.....
۴۶.....	۴ ۴ ۴ مصر و هلال حاصلخیز (نقطه تمرکز و قلب خشک).....
۴۶.....	۴ ۴ ۴ نقطه تمرکز جغرافیایی، قلب و ایدئولوژی.....
۴۷.....	۴ ۴ ۴ هنری کسینجر؛ نقطه تمرکز جغرافیایی عربی و ایران.....
۴۹.....	۴ ۴ ۵ آینده نظام منطقه ای و عربی.....
۵۲.....	۴ ۵ بنیاد گرایی اسلامی.....
۵۳.....	۴ ۶ گسترش دموکراسی.....
۵۴.....	۴ ۷ تداوم حضور فزاینده و گسترش منطقه ای.....
۵۴.....	۴ ۷ سیاست بدون نام.....
۵۷.....	۴ ۸ سیاست خاورمیانه ای بوش پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر.....
۵۹.....	۴ ۸ + استراتژی امریکا در خاورمیانه قبل از ۱۱ سپتامبر.....
۶۱.....	۴ ۹ طرح خاورمیانه بزرگ در سطح تحلیل سیاست خارجی ایالات متحده.....

بخش دوم: ۳- ۴	پیشینه روابط افغانستان و ایالات متحده	۶۲
۴ ۴	نخستین ارتباطات	۶۳
۴ ۴	روابط رسمی سیاسی	۶۶
۴ ۴	پیشینه روابط ایالات متحده و پاکستان تا پایان جنگ سرد	۶۶
۴ ۴	روابط پاکستان و امریکا بعد از جنگ سرد تا ۱۱ سپتامبر	۷۳
۷۳	جمع بندی	۷۳

## فصل چهارم بررسی سیاست های افغانستان و پاکستان درمقابله با آمریکا و استراتژی متقابل آمریکا نسبت به افغانستان و پاکستان

مقدمه	۷۶
بخش اول- اهمیت استراتژیک افغانستان برای امریکا	۷۷
نومحافظه کاران و سیاست خارجی نوین ایالات متحده امریکا	۷۹
یازده سپتامبر و تغییر در سیاست خارجی ایالات متحده امریکا	۸۰
مبانی فکری سیاستگذاری خارجی در ایالات متحده	۸۱
سیاست اضطرار، تهدید و اجبار	۸۳
ایالات متحده و نظامیگری	۸۸
بخش دوم استراتژی جدید آمریکا در افغانستان	۸۹
عقب نشینی طالبان	۹۰
دلایل و ضرورت های تغییر استراتژی آمریکا	۱۰۴
ابعاد تغییر استراتژی آمریکا	۱۰۸
اهداف تغییر استراتژی آمریکا	۱۱۲
پی آمد های احتمالی تغییر استراتژی آمریکا	۱۱۵
بخش سوم ایالات متحده، افغانستان و قدرتهای منطقه ای	۱۱۸
روسیه	۱۲۰
چین	۱۲۴
هند	۱۲۵
جمع بندی	۱۲۶



## فصل پنجم تأثیر استراتژی متقابل آمریکا نسبت به افغانستان و پاکستان بر امنیت ملی ایران

- مقدمه..... ۱۲۹
- بخش اول : فرصت ها و تهدیدات ناشی از حمله آمریکا به افغانستان و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران..... ۱۲۹
- ۱ + همگرایی و واگرایی ایران و آمریکا در افغانستان..... ۱۲۹
- ۱ + دوره ی اول؛ عصر منافع موازی..... ۱۳۰
- ۲ + دوره ی دوم؛ عصر منافع متعارض..... ۱۳۰
- ۳ + دوره ی سوم؛ تداوم واگرایی و تعارض منافع..... ۱۳۱
- ۴ + دوره چهارم؛ عصر منافع موازی..... ۱۳۲
- ۶ گسست در وضع موجود..... ۱۳۲
- ۴ فرصت ها و تأثیرات مثبت تحولات افغانستان بر امنیت ملی ایران..... ۱۳۵
- ۱ + فرصت ها ..... ۱۳۸
- ۱ + فروپاشی طالبان..... ۱۳۸
- ۲ + روی کار آمدن دولت دوست ایران در کابل..... ۱۳۸
- ۳ + همکاری مثبت و سازنده ی تهران با جامعه ی بین المللی و سازمان ملل متحد..... ۱۳۹
- ۴ + تقلیل مشکلات ملی ایران در قبال افغانستان..... ۱۴۰
- ۵ + بازگشت مهاجران..... ۱۴۱
- ۶ + بازسازی افغانستان فرصتی برای اقتصاد ایران..... ۱۴۱
- ۷ + مذهب ..... ۱۴۲
- ۸ + قومیت ..... ۱۴۳
- ۴ تهدیدات و تأثیرات منفی تحولات افغانستان بر امنیت ملی ایران..... ۱۴۴
- ۱ + منافع ملی: ..... ۱۴۴
- ۲ تهدیدات: ..... ۱۴۷
- ۱ + نگرانی ایران از حضور نیروهای غربی به خصوص آمریکا در جوار مرز خود..... ۱۴۷
- ۲ عبور خط لوله نفت و گاز از طریق افغانستان..... ۱۴۹
- ۳ تهدیدات ناشی از چگونگی مناسبات ایران با غرب و آمریکا..... ۱۵۰
- ۴ تداوم حفظ امنیت و ثبات در جهت تقویت دولت افغانستان..... ۱۵۰

- ۱۵۱..... ۴ ۴ ۵ تلاش آمریکا برای نفوذ تدریجی در هرات و مناطق مرزی شرق ایران.....
- ۱۵۲..... ۴ ۴ ۵ تداوم کارشکنی پاکستان علیه منافع ایران.....
- ۱۵۵..... ۴ ۴ ۵ خطر شروع مجدد ناامنی و جنگ در افغانستان.....
- ۱۵۵..... ۴ ۴ ۵ واگرایی شیعیان و جبهه متحد: .....  
 ۱۵۵..... ۴ ۴ ۵ استقرار یک دولت دست نشانده بیگانه در افغانستان.....
- ۱۵۶..... ۴ ۴ ۵ تروریسم و گسترش تروریسم ضد ایران در افغانستان.....
- ۱۵۶..... ۴ ۴ ۵ آوارگان افغانی مقیم ایران.....
- ۱۵۷..... ۴ ۴ ۵ پدیده مواد مخدر.....
- ۱۵۸..... ۴ ۴ ۵ مسئله هیرمند.....
- ۱۵۹..... الف) قبل از ۱۱ سپتامبر.....
- ۱۶۰..... ب) پس از ۱۱ سپتامبر.....
- ۱۶۱..... ۴ ۴ ۵ شرارت و ناامنی مرزی.....
- ۱۶۱..... ۴ ۴ ۵ گسترش افکار رادیکال سنی.....
- ۱۶۲..... ۴ ۴ ۵ ایدئولوژی.....
- ۱۶۲..... ۵ ۵ جنگ روانی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در افغانستان.....
- ۱۶۳..... ۵ ۵ ابعاد جنگ روانی.....
- ۱۶۳..... الف) حوزه سیاسی.....
- ۱۶۴..... تلاش ایران برای بی ثبات کردن افغانستان.....
- ۱۶۴..... سیاست دوگانه ایران در برخورد با افغانستان.....
- ۱۶۴..... همکاری با مجاهدان سابق علیه دولت مرکزی.....
- ۱۶۵..... شیعیان، ابزار ایران برای اقدام علیه دولت افغانستان.....
- ۱۶۵..... تحقیر و توهین مردم افغانستان در جریان صدور ویزا.....
- ۱۶۶..... الف) حوزه اجتماعی.....
- ۱۶۶..... ب) حوزه اقتصادی.....
- ۱۶۶..... تلاش ایران برای تضعیف اقتصاد افغانستان.....
- ۱۶۷..... سودجویی اقتصادی ایران در بازسازی افغانستان.....
- ۱۶۷..... بهره برداری های سیاسی ایران از اقدامات اقتصادی.....
- ۱۶۸..... کیفیت پایین کالاهای ایران.....

کاهش اهمیت استراتژیک راه های ترانزیت ایران.....	۱۶۸
۵ ۶ بخش دوم سیاست خارجی ایران در افغانستان.....	۱۶۹
۵ ۶ ۱ رهیافت‌های مطالعه سیاست خارجی.....	۱۷۰
۵ ۶ ۲ عوامل مؤثر بر تصمیم گیری.....	۱۷۱
۵ ۶ ۳ مسئله تصمیم گیری.....	۱۷۱
۵ ۶ ۴ دست اندرکاران تصمیم گیری.....	۱۷۲
۵ ۶ ۵ سازمان تصمیم گیری.....	۱۷۳
۵ ۶ ۶ فرایند تصمیم گیری.....	۱۷۵
۵ ۶ ۷ اجرای تصمیم.....	۱۷۷
۵ ۶ ۸ نتیجه تصمیم گیری.....	۱۸۰
جمع بندی.....	۱۸۳

### نتیجه گیری و پیشنهادات

نتیجه گیری.....	۱۸۶
پیشنهادات.....	۱۹۳
فهرست منابع.....	۱۹۵
نمودار شماره ۱: استراتژی آمریکا در خاورمیانه و رابطه آن با امنیت ملی ایران.....	۲۵
نمودار شماره ۲: اهداف استراتژیک ایالات متحده در منطقه خاورمیانه.....	۱۱۸

## چکیده

پژوهش حاضر با هدف سنجش اتخاذ استراتژی متقابل آمریکا نسبت به افغانستان و پاکستان و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران به روش توصیفی تحلیلی انجام شده است. در راستای فرضیه تحقیق که بدین مبنا مطرح گردید: اتخاذ استراتژی متقابل آمریکا نسبت به افغانستان و پاکستان در ابعاد نظامی و سیاسی تأثیری منفی بر امنیت ملی ایران خواهد داشت. نتایج نشان داد: ایران کشوری پر اهمیت در خاورمیانه می باشد، اهمیت استراتژیک تنگه هرمز، کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، همسایگی با عربستان و عراق و از همه مهمتر داشتن مرزهای طولانی با افغانستان از جمله عواملی است که استراتژی آمریکا را تحت تأثیر قرار می دهد، از سوی دیگر مسئله تروریسم، مواد مخدر و سایر عوامل، روابط بین این دو کشور را با اهمیت تر می سازد، هر گونه اقدام آمریکا در کشورهای همسایه ایران، خصوصاً در افغانستان و پاکستان متوجه امنیت ملی ایران می باشد. پس از ۱۱ سپتامبر، مبارزه با تروریسم موجب همگرایی اکثر کشورهایی با آمریکا شده است که پیشتر در رقابت با آن بوده اند، مسائل مهمی در منطقه وجود دارد که باعث می شود ایالات متحده در سیاست دراز مدت به آن توجه کند، جمعیت فراوان و سهم عمده ای که این کشورها در اقتصاد جهانی به خود اختصاص داده اند و نیز هسته ای شدن منطقه (که ایران هم اخیراً به آن پیوسته است) همه دلایلی است که موجب شده است عمق استراتژیک یعنی افغانستان در اختیار ایالات متحده باشد تا از این طریق تحولات و تأثیرگذاری کشورهای منطقه را در معادلات سیاسی، اقتصادی و نظامی جهانی تحت نظر داشته باشد. تعامل یا تقابل با قدرتهای رقیب می تواند تا اندازه قابل توجهی در تدوین سیاست خارجی آمریکا تأثیر بگذارد. این بهترین فرصت برای ایالات متحده است تا با حضور خویش در این منطقه استراتژیک، منافع طویل المدت خویش را پیگیری و با مبارزه ریشه ای با تروریسم و کشت و قچاق مواد مخدر در جهت اجرای طرح خاورمیانه بزرگ و دموکراتیزه کردن منطقه، رویای حکومت جهانی لیبرال دموکراسی را به حقیقت نزدیکتر کند. افغانستان منطقه ای است که مؤلفه های قدرت محور نئورئالیسم و جنبه های اقتصاد دموکراسی محور نئولیبرالیسم را در کنار هم و به نفع یکدیگر، عملیاتی کرده است و می تواند بدون ایجاد واکنشی شدید زمینه تداوم حضور ایالات متحده را در کنار رقبای استراتژیک اش فراهم کند.

## مقدمه

افغانستان همواره در قرنهای نوزده و بیست به عنوان منطقه ای حایل بین دو امپراطوری روس و بریتانیا قرار داشت و هر دو دولت می کوشیدند با نفوذ بر دولت کابل، نقش منطقه ای قدرتمندانه تری از خود بروز دهد. با حمله شوروی به افغانستان، جایگاه این کشور در سیاست خارجی ایالات متحده ارتقا یافت و این کشور به منطقه ای جهت منازعه و رقابت بین دو ابر قدرت مبدل شد. با توسعه روز افزون قدرت همه جانبه چین، هسته ای شدن هند و پاکستان و تلاشهای ایران برای دست یابی به این فناوری، احیای مجدد قدرت نظامی روسیه و منابع سرشار انرژی در آسیای مرکزی، قفقاز، دریای خزر و خلیج فارس، موقعیت ژئوپولیتیک، ژئواکونومیک و جغرافیای استراتژیک افغانستان برای ایالات متحده مبرهن شد. حوادث ۱۱ سپتامبر به این خواست جنبه عملی بخشید و ایالات متحده به جهت حفظ بقای دولت خود با حمله به نیروهای طالبان و سپس حضور در افغانستان در جهت مبارزه با تروریسم، اجرای طرح خاورمیانه بزرگ و دموکراتیزه کردن کشورهای منطقه، اینک با اتخاذ سیاست دولت - ملت سازی در افغانستان در عمق استراتژیک این حوزه نفوذ کرده و در صدد است نفوذ خود را در افغانستان و منطقه گسترش دهد.

پایان جنگ سرد و برون آمدن ایالات متحده آمریکا به عنوان قدرت بلامنازع جهانی، تهدیدها و فرصت هایی برای این کشور و دیگر کشورهای جهان فراهم کرد. ایالات متحده که در عرصه های مختلف علمی، اقتصادی، تکنولوژی و تسلیحاتی سهم عمده ای در جهان به خود اختصاص داده است، اینک به صورت یک جانبه قدرت جهانی را به عنوان یک هژمون بی رقیب در اختیار دارد. در عصر پسا جنگ سرد و فقدان پدیده کمونیسم که با فروپاشی نظام سیاسی اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی از عرصه رقابت ایدئولوژیک با امپریالیسم خارج گردید، ایالات متحده با بحران معنادهی به سیر سیاستگذاری خارجی خویش مواجه شد. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی اتفاقی غیر منتظره ناخواسته به یاری تئوری پردازان سیاست خارجی ایالات متحده آمد. این حمله که بعد از پایان جنگ جهانی دوم، بزرگترین حمله علیه آمریکا و آن هم در خاک این کشور محسوب می شود، با تهدید بزرگ خود فرصت نمایش مجدد قدرت آمریکا را در سطح بین الملل فراهم کرد. سیاست خارجی جدید ایالات متحده به سرعت با محوریت مبارزه با تروریسم دوباره آمریکا را در نقش سکان دار تحولات جهانی در مرکز توجه جهانیان قرار داد. بن لادن و القاعده تحت حمایت طالبان با مدیریت و اجرای حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر موجب شد آمریکا با حمله به پایگاههای آنها در افغانستان به تثبیت هر چه بیشتر نفوذ خود در منطقه نایل آید. از سوی دیگر، در سال های اخیر نا امنی و بی ثباتی

های پاکستان، شرایط بغرنجی را برای همسایگان آن کشور فراهم کرده است. به دنبال افزایش اختلافات داخلی و ناآرامی های سیاسی در پاکستان، به ویژه افزایش فعالیتهای طالبان و تقابل ارتش این کشور با آنان، معضل همجواری با کشورهای بی ثبات به سراسر مرزهای شرقی ایران گسترش پیدا کرده است. دو کشور افغانستان و پاکستان که در همسایگی ایران قرار دارند، از حیث تأمین منافع ناشی از ثبات برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت فراوانی دارند. با توجه به شرایط موجود و نیز گستردگی مرزها به طول حدود ۲۰۰۰ کیلومتر بین ایران و این دو کشور، تهدیدات امنیتی از ناحیه آنها برای منافع ملی ایران گسترش بیشتری یافته و در نتیجه هزینه های جمهوری اسلامی در خصوص کنترل مرزها افزایش یافته است. پس از حمله آمریکا به افغانستان و شروع دورانی جدید در این کشور، امیدهای بسیاری برای شکل گیری دولتی با ثبات در افغانستان و بازگشت این کشور به جامعه بین المللی به عنوان کشوری عادی شکل گرفت، اما این امیدها به تدریج رنگ باخت. امروزه افغانستان نه تنها با مشکل شورش ها و ناکارآمدی نهادهای دولتی مواجه است، بلکه از نوع عدم همگرایی درونی رنج می برد. نا امنی های مرزی، عدم ثبات امنیت در افغانستان و پاکستان، حضور ناتو به بهانه مقابله با تروریسم در کنار مرزهای شرقی ایران پیامدهای امنیتی در مرزهای ایران داشته است، از این رو و با توجه به اهمیت این موضوع این تحقیق قصد دارد تا به بررسی اتخاذ استراتژی آمریکا در افغانستان و پاکستان بپردازد و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران را بررسی نماید.

**فصل اول**  
**کلیات تحقیق**

## ۴ بیان مسأله و تعریف موضوع

آنچه که بر روابط فیما بین آمریکا و افغانستان اثر می گذارد، حوادث یازدهم سپتامبر در سال ۲۰۰۱ می باشد. از زمان حادثه ۱۱ سپتامبر بنا بر آن شد که جهان وارد جبهه جنگ علیه تروریسم شده است و جرج دبلیو بوش<sup>۱</sup> رئیس جمهور وقت آمریکا (۲۰۰۱-۲۰۰۸) برنامه های امنیتی جهت پیشگیری از هرگونه حمله احتمالی دیگر را پایه ریزی و حملات به افغانستان جهت ساقط کردن گروه طالبان را آغاز کرد. پیمان استراتژیک آمریکا با افغانستان و بحث ایجاد پایگاه دائمی، واکنش های منفی کشورهای همسایه افغانستان و منطقه را برانگیخته است. کشورهای ایران، پاکستان و روسیه رسماً مخالفت خود را با این امر اعلام کرده و سایر بازیگران منطقه ای نیز نسبت به این پیمان با نگاهی منفی می نگرند. حساسیت های منطقه ای این پیمان، یکی از دل نگرانی های اصلی مقامات افغانستان از امضای آن بوده که باعث کندی این روند گردیده است. کشورهای همسایه، خصوصاً ایران و پاکستان، پیمان استراتژیک افغانستان با آمریکا را برهم زننده معادلات و امنیت منطقه دانسته و ایجاد پایگاه دائمی آمریکا در افغانستان را تهدید امنیت ملی خویش عنوان نموده اند. این کشورها ظاهراً در بیانیه های رسمی خویش، پیمان استراتژیک آمریکا با افغانستان و بحث ایجاد پایگاه دائمی را ادامه نظامی گری و بی ثباتی در منطقه دانسته اند و گفته اند که این امر باعث می گردد که افراط گرایی، تروریسم و بنیاد گرایی در منطقه ادامه پیدا کند. اگر نگرانی و دغدغه کشور های همسایه از پیمان استراتژیک آمریکا با افغانستان، امنیت ملی این کشور ها می باشد، این نگرانی مشروع و قانونی بوده و باید افغانستان از امضای آن اجتناب کند. اما حقیقت این است که نگرانی کشورهای همسایه از همکاری های راهبردی افغانستان با آمریکا فراتر از این مسئله است.

آنچه مایه نگرانی کشورهای همسایه است، محدودیت نفوذ و میدان بازی آنان در افغانستان می باشد نه امنیت ملی شان. پیمان استراتژیک آمریکا با افغانستان و ایجاد پایگاه دائمی، هیچگونه تهدیدی را متوجه کشورهای همسایه و منطقه نکرده و در واقع این امر ادامه تعهدات و همکاری های کنونی افغانستان با آمریکا می باشد.

---

<sup>۱</sup> -Jorj w.Bosh



بنابراین در این صورت دولت افغانستان به عنوان کشور مستقل صلاحیت تعامل با کشورهای دیگر را داشته و براساس منافع خویش می تواند با هر کشوری که بخواهد پیمان راهبردی ببندد و از طرفی کشورهای همسایه نمیتوانند هیچگونه الزامی را بر دولت افغانستان تحمیل کنند.

استراتژی آمریکا بعد از به قدرت رسیدن دولت جدید در آمریکا در زمینه افغانستان بر این مبانی استوار شد که اولاً مسئله افغانستان بیش از هر مسئله دیگری حائز اهمیت است. در ثانی با مسئله پاکستان گره خورده و لذا دولت اوباما<sup>۲</sup> بین سیاست افغانی و سیاست پاکستانی خود پیوند برقرار کرد و در تداوم این سیاست بر مسئله شکست دادن طالبان از نظر نظامی متمرکز شد. تمرکز نظامی در استراتژی افغانی پاکستانی امریکا تا حدود زیادی از مفهوم افزایش نیرو<sup>۳</sup> در عراق متاثر بود. به این معنی که در سال های پایانی دولت بوش، بعد از تلفات زیادی که در عملیات تروریستی در عراق به وجود آمد، دولت بوش دست به یک افزایش جدی نیرو در عراق زد که این عملیات با مسئولیت ژنرال پترائوس انجام شد. افزایش نیرو به عقیده بسیاری از تحلیل گران نظامی امریکایی در عراق موفق بود. اوباما این مفهوم را به افغانستان تعمیم داد و در دسامبر ۲۰۰۹، یعنی زمانی که داشتند جایزه صلح نوبل را به او می دادند، تصمیم به افزایش نیرو در افغانستان گرفت. این مسئله سر و صدای زیادی را در جهان به وجود آورد و نطق او هم به تناقض نمایی تبدیل شد که چگونه رئیس جمهوری که جنگ را تشدید می کند، می تواند برنده جایزه صلح باشد؟ به هر جهت در این که اوباما به تشدید عملیات نظامی دست زد تردیدی نیست. اما این اقدام تا حدودی در برخی از موارد با موفقیت هایی همراه بود (درویشی سه تلانی ۱۱: ۱۳۷۶).

موضوع این تحقیق « اتخاذ استراتژی متقابل آمریکا نسبت به افغانستان و پاکستان و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران» می باشد، ایران از سویی به دلیل همسایه بودن با افغانستان و پاکستان و از سوی دیگر اهمیت ویژه ای که در منطقه دارد، همواره در معرض تعرضات دشمن قرار دارد، آمریکا از طرق گوناگون سعی در خدشه دار کردن امنیت ملی ایران دارد، بنابراین هر گونه تصمیم و استراتژی از جانب وی در افغانستان و پاکستان بر امنیت مرزهای ایران تاثیر گذار می باشد، لذا دغدغه محقق در این است تا این تأثیرات را مورد بررسی قرار دهد و با توجه به این تعاریف و عملکردهای آمریکا در منطقه و تعیین استراتژی با افغانستان و

---

<sup>۲</sup> -Obama

<sup>۳</sup> - Surge

اتصال به پاکستان، این مسئله اساسی مطرح می شود که عملکردهای نظامی و سیاسی آمریکا در قالب استراتژی تعیین شده چگونه می تواند امنیت ملی ایران را تحت تأثیر قرار دهد؟

#### **۴ + اهمیت، علل و انگیزه انتخاب موضوع و ضرورت‌های آن**

در مورد پیامدهای تصمیم‌گیری اوباما در مورد خروج نیروهای نظامی از افغانستان، در فرصت کوتاهی که از اعلام تصمیم تاکنون گذشته است، دیدگاه‌های متضادی مطرح شده است که بعضاً شایسته توجه و دقت است و ارتباط ویژه‌ای با موضوعی که در استراتژی اوباما در افغانستان به آن اشاره شد، پیدا می کند. یکی از دیدگاه‌هایی که مطرح است این است که موفقیت افزایش نیرو در عراق را نباید با موفقیت این سیاست در افغانستان یکی دانست. به دلیل ماهیت متفاوت چالش‌هایی که نیروهای امریکایی یا نیروهای طرفدار امریکا در این دو کشور با آن رو به رو هستند، برخی از تحلیل‌گران معتقدند که امکان موفقیت در افغانستان مانند عراق نیست. با افزایش حملات هواپیماهای بدون سرنشین در پاکستان در مناطقی که مظنون به حضور نیروهای القاعده و طالبان است، دولت اوباما نیروی بیشتری یافت و بوجود آمدن مسائلی مانند کشته شدن بن لادن در پاکستان، سرنوشت سیاسی افغانستان را به پاکستان گره زده است. ایران از گذشته دور تا به حال در نظام بین‌المللی مهم‌ترین منطقه ژئوپولیتیکی در قلمروهای استراتژیک جهان است و به دلیل برخورداری حساسیت فوق‌العاده در خاورمیانه و بهره‌مند بودن از ذخایر زیرزمینی و نفت، بسیار مورد توجه کشورهای غرب خصوصاً امریکا می باشد، لذا بدون شک هر گونه پیشامد و تصمیم‌گیری سیاسی در منطقه و کشورهای همسایه، امنیت آن را مورد تهدید قرار می دهد، از طرفی دیگر استراتژی آمریکا در افغانستان و پاکستان می تواند سایر کشورهای همسایه و نزدیک را تحت الشعاع قرار دهد و تأثیر متقابل این استراتژی‌ها بسیار حساس است.

#### **۴ + اهداف تحقیق**

هدف اصلی تحقیق سنجش اتخاذ استراتژی متقابل آمریکا نسبت به افغانستان و پاکستان و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران می باشد و اهداف فرعی ما شامل شناخت استراتژی آمریکا در خاورمیانه قبل از یازدهم سپتامبر، بررسی ژئوپلیتیک افغانستان و پاکستان و سیاستهای مقابله با آمریکا و در نهایت شناخت امنیت ملی ایران است. ایران و افغانستان دو همسایه فارسی زبان با قدمتی دیرینه می باشند که به دلیل دارا بودن مرزهای

طولانی و مهاجرت‌های افغانی‌ها به ایران، همواره در تعامل با یکدیگر می‌باشند، از سوی دیگر مسئله تروریسم، مواد مخدر و سایر عوامل، روابط بین این دو کشور را با اهمیت‌تر می‌سازد، از این رو هر گونه تصمیم از سوی آمریکا در افغانستان و پاکستان، امنیت ایران را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و هدف بررسی این تأثیر است.

#### ۴ ادبیات و پیشینه تحقیق

تحقیق حاضر از نظر بررسی استراتژی آمریکا در کشورهای خاورمیانه با سایر تحقیق‌های انجام شده مشابه است، ولی از این نظر که استراتژی آمریکا را در افغانستان و پاکستان مورد بررسی قرار می‌دهد، متفاوت بوده، ضمن آنکه تأثیر این استراتژی را بر امنیت ملی ایران نیز مورد بررسی قرار می‌دهد.

- احمدی‌زاده (۱۳۸۵) در تحقیقی به بررسی «تأثیر حوادث ۱۱ سپتامبر بر منافع جمهوری اسلامی ایران در افغانستان و آسیای مرکزی پرداخته است. هدف پژوهش بررسی حوادث ۱۱ سپتامبر و تأثیرات آن بر منابع ملی ج.ا. ایران در کشور افغانستان و آسیای مرکزی می‌باشد در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی استفاده شده است طرح پژوهش: تحولات حوادث ۱۱ سپتامبر و پیامدهای آن بر ج.ا. ایران و تأثیراتی که این حادثه بر منافع ایران داشته مورد بررسی قرار گرفته است نتیجه کلی: در این پژوهش حوادث ۱۱ سپتامبر و چستی این حادثه مورد تحلیل قرار می‌گیرد سپس تأثیراتی که این حادثه در سطح منطقه‌ای (کشور افغانستان- آسیای مرکزی) بر منافع ایران در چهار سطوح سیاسی- اقتصادی- فرهنگی و امنیتی داشته است مطرح و ثابت گردیده است

- میرزاجانی (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی تأثیر آمریکا در بازسازی ساختار سیاسی و اجتماعی افغانستان و عراق بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر» پرداخته است.

هدف پژوهش فهم استراتژی آمریکا در مبارزه با تروریسم و تأثیر آن بر ساختار افغانستان و عراق است و به روش توصیفی- تحلیلی انجام شده است که گردآوری مطالب از طریق کتابخانه‌ای و اینترنتی است. نتایج نشان داد که تلاش‌های آمریکا در راستای برقراری دموکراسی در کشورهای عراق و افغانستان بر پایه‌ی شکل‌گیری منافع ملی این کشورهاست که توانسته با وجود چالش‌های امنیتی و ثباتی زمینه‌های دموکراسی را در این کشورها برقرار نماید.

- قاسم نژاد (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی روند ملت - دولت سازی در افغانستان بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر» پرداخته است.

#### ۴ ۵ قلمرو تحقیق

محدوده و قلمرو این تحقیق کشور افغانستان، پاکستان و مرزهای مشترک آن با کشور ایران می باشد.



و از نظر زمانی پس از حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی تا زمان فعلی می باشد.

#### ۴ ۶ سوال اصلی تحقیق

اتخاذ استراتژی متقابل آمریکا نسبت به افغانستان و پاکستان چه تاثیری بر امنیت ملی ایران خواهد گذاشت؟

#### ۴ ۶ ۴ سؤالات فرعی

۴ آیا اتخاذ استراتژی آمریکا در افغانستان و پاکستان پس از حادثه ۱۱ سپتامبر به جهت ایجاد اختلاف بین

جهان اسلام و غرب می باشد؟

۴ آیا اتخاذ استراتژی آمریکا در افغانستان و پاکستان پس از حادثه ۱۱ سپتامبر به جهت تسلط بر قدرتهای

منطقه می باشد.